

نوروز ۱۳۸۶ فرخنده باد

□ درباره‌ی نوروز و سال نو ایرانی سخن بسیار گفته و نوشته‌اند. از سرفرازی‌های ما ایرانیان، یکی آن است که مهم‌ترین جشن ملی ما در آغاز بهار است، در حالی که در غرب، مهم‌ترین جشن‌ها (کریسمس)، در ۲۵ دسامبر یعنی در سورت سرمای زمستان گرفته می‌شود و تازه آن هم زادروز «مهر» ایرانی‌ست که بعدها کلیسای کاتولیک آن را (به دروغ) زادروز عیسی مسیح اعلام کرد تا این جشن مه‌ری را به سود مسیحیت مصادره کند.

جشن نوروز باستانی ما ایرانیان، بسی فراتر از جشن‌های ساده‌ی اقوام و ملل دیگر است، چرا که به قومیت خاصی اختصاص ندارد و مشترک میان تمام اقوام ایرانی اعم از فارس و ترک و لر و دیگر اقوام ایرانی است. مهم‌تر آن که هیچ صبغه‌ی دینی (به‌خلاف جشن کریسمس: زادروز مسیح) ندارد؛ بلکه انسانی و اجتماعی است. انسانی‌ست، از این جهت که جشن نوزایی طبیعت است و اجتماعی‌ست از این جهت که «آیین میرنوروزی» اش رندانه به صاحبان قدرت و حاکمان روزگار نیشخند می‌زند و آن‌ها را به مسخره می‌گیرد، چنان که حافظ می‌گوید:

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی

از این باد ار مددخواهی، چراغ دل برافروزی

... سخن در پرده می‌گویم چو گل از غنچه بیرون آی

که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی
از گذشته‌های بسیار دور، نوروز را به‌عنوان نماد نوزایی طبیعت، جشن می‌گرفتند و به آن «فرشکرد» می‌گفتند. واژه‌ی «فرش» در پهلوی کهن (هم‌چنان که واژه‌ی فرش Fresh در انگلیسی امروزی) به معنای نو و تازه است و بنا بر این «فرشکرد» به معنای نوشدن طبیعت و نوزایی گیتی است که همه ساله در سرتاسر حوزه‌ی تمدنی ایران، با پایان یافتن فصل زمستان و برآمدن بهار جشن گرفته می‌شده است و چنین است که جشن نوروز ایرانی، سرشتی کاملاً طبیعی و کیهانی دارد، هرچند ارزش آن در دنیای ماشینی امروز که بشر از طبیعت فاصله گرفته است، محدود شده است. اما سهولت سفر و ارتباط، تا حدی جبران دوری ما از طبیعت را می‌کند و باید امیدوار بود که ایرانیان برون‌مرز بتوانند این جشن ایرانی را در سرتاسر جهان معرفی کنند و به یک جشن جهانی تبدیل نمایند.

پیشینه‌ی دیرینه‌ی جشن نوروز البته به پیش از اسلام برمی‌گردد. بنابه گزارش فردوسی در شاهنامه، نوروز روز تاج‌گذاری جمشیدشاه کیانی‌ست: به جمشید بر گوهر افشاندند / مر آن روز را «روز نو» خواندند. بنا به گزارش جاحظ در التاج و نظام‌الملک در سیاست‌نامه، در نوروز پادشاهان ساسانی بار عام می‌دادند و به دادخواهی مردم می‌پرداختند. سرانجام، بنا به روایت‌های دینی

زرتشتیان، گشتاسب پادشاه کیانی در آخرین روزهای اسفندماه از حقانیت زرتشت آگاه شد و به همین مناسبت، زرتشتیان پنج روزه‌ی آخر سال را به‌عنوان نماد گات‌های پنج‌گانه‌ی زرتشت جشن می‌گیرند و با اجرای مراسم گهنبار به خیرات و مبرات می‌پردازند، زیرا معتقدند که ارواح نیاکانشان در این روزها به خانه‌های آن‌ها بازمی‌گردد و باید از آن‌ها پذیرایی نمود و برای خشنودی آن‌ها بذل و بخشش کرد. جشن فروردگان از روز ۲۶ اسفند شروع می‌شود و تا پنج روز ادامه دارد و به قول ابوریحان بیرونی: «ایرانیان در جشن فروردگان، در اتاق مرده و بر بالای بام خانه در فارس و خوارزم، برای پذیرایی ارواح غذا می‌گذارند و بوی خوش بخور می‌کنند».

ایرانیان پس از پذیرش دین اسلام نیز، جشن نوروز را هم‌چنان گذشته حفظ کردند و ادبیات فارسی بویژه قصیده‌های بهاریه و نوروزیه مشحون از ارج نهادن ایرانیان مسلمان به این آیین نیاکانی است. مردم مسلمان ایران در نسل‌های بعد، برای حفظ مراسم نوروز هوشمندانه دنبال یافتن محملی مذهبی در دین اسلام برای آن بودند. به‌همین دلیل، ایرانیان بویژه پس از برآمدن صفویان و رسمیت یافتن تشیع در کشورمان، به ترویج و تبلیغ احادیثی پرداختند که برای نوروز، ریشه‌ی اسلامی تعیین می‌کرد. از آن میان، معروف‌ترین حدیث، روایت معلی بن خنیس از امام جعفر صادق (ع) است که به‌نقل ملامحسن فیض کاشانی می‌گوید:

«نوروز، روزی‌ست که خدای تعالی از ارواح بندگان خود، عهدنامه گرفته که او را بندگی نمایند... و روزی‌ست که کشتی نوح بر زمین قرار گرفته... و روزی‌ست که حضرت رسالت (ص) امر فرمود یاران خود را با حضرت امیرالمومنین (ع) بیعت امارت نمایند... و روزی‌ست که قائم آل محمد یعنی حضرت صاحب الامر (عج) ظاهر می‌شود...» (معین، دکتر محمد، مجموعه‌ی مقالات، به کوشش مهدخت معین، تهران، موسسه‌ی انتشارات معین، ۱۳۶۷، ج ۲، صص ۲۶۴-۲۶۵)

چنین است که ما ایرانیان نوروز باستانی را امروز با حفظ حساسیت‌های مذهبی جشن می‌گیریم. این جشن بزرگ را که از عوامل تحکیم هویت ملی ماست، به همه‌ی هم‌وطنان عزیز شادباش می‌گوییم. فروردین ۱۳۸۶ مقارن با آغاز چهارمین سال انتشار نشریه‌ی حافظ است؛ نشریه‌ی که پروانه‌ی نشر آن پس از سی و چهار شماره، از سوی «جمهوری اسلامی ایران» لغو شد و چند شماره‌ی اخیر آن، به‌عنوان «نشریه‌ی داخلی» برای اعضای «انجمن دوستداران ماهنامه‌ی حافظ» منتشر می‌شود، چرا که براساس حقوق بشر و اصل آزادی بیان، کسی برای اظهار عقاید و ابراز انظار خود محتاج اجازه‌گرفتن از دیگری نیست. ■

حسن امین